

سبک زندگی اسلامی در اقتصاد خانواده با تکیه بر کلام و سیره امام سجاد (ع)

رضا بنی اسدی^۱، فاطمه غفاریا^۲

^۱ استادیار گروه معارف، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)
^۲ طلبه سطح ۴، رشته تفسیر تطبیقی، حوزه علمیه خواهران رفیعه المصطفی، تهران، ایران

چکیده

سبک زندگی به معنای رفتارهای انسانی متأثر از فرهنگ هر کشور است که شامل تمام ابعاد زندگی انسان اعم از فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره می‌شود. تردیدی نیست که برای تحقق اقتصاد مطلوب در خانواده نیاز به بازنگری در سبک زندگی خانواده در بعد اقتصادی، و تغییر و اصلاح آن به سوی فرهنگ دینی و سبک زندگی اسلامی است. آیات قرآن، و کلام و سیره معصومین (ع)، به بهترین وجه کیفیت این امر مهم را به ما نشان می‌دهند. امام زین العابدین (ع)، در پرتو ادعیه صحیفه سجادیه و کلام خویش، و نیز با سیره عملی خویش رهنمودهایی برای زندگی مطابق با فرهنگ اسلامی ارائه نموده‌اند. در این پژوهش آسیب‌های اقتصادی زندگی فعلی خانواده که نیاز به بازنگری و تغییر در چهارچوب فرهنگ اسلام دارد بیان شده است؛ آسیب‌هایی مانند حاکم شدن روحیه مصرف‌گرایی، سوء مدیریت در مصرف، اسراف و تبذیر، تجمل‌گرایی، حرص، بخل و خساست؛ و در مقابل راه‌کارهای سبک زندگی اسلامی در تحقق اقتصاد مطلوب مانند دعوت به تولید، مدیریت مدبرانه مصرف، میانه روی و کفاف، ساده زیستی، عدم چشم‌داشت به دارایی دیگران، قناعت، سخاوت و انفاق با تکیه بر آموزه‌های امام زین العابدین (ع) مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی اسلامی، اقتصاد، خانواده، امام سجاد ع، صحیفه سجادیه

مقدمه

سبک زندگی نقش تاثیرگذاری در اقتصاد دارد و تغییر و اصلاح آن از مهمترین راه کارها و ابزاری است که هر فرد و به تبع آن خانواده می تواند برای تحقق اقتصاد مطلوب به کار گیرد. بهترین الگو برای این منظور بعد از آیات قرآن سیره و کلام اهل بیت (ع) می باشد. از آن جا که در اذهان عموم مردم از امام زین العابدین (ع) چهره ای بیمار و اسیر شکل گرفته و کمتر به گفتار و سیره آن حضرت پرداخته شده، تغییر آسیب های زندگی فعلی به سبک زندگی اسلامی در راستای تحقق اقتصاد مطلوب در کلام و سیره آن حضرت مورد تفحص قرار گرفته است. از آن چا که تقویت اقتصاد خانواده، در کیفیت زندگی خانواده و به تبع آن جامعه نقش غیر قابل انکاری دارد پژوهش در این زمینه ضروری به نظر می رسد.

پیرامون زندگی امام سجاد(ع) کتبی تالیف شده، اما در خصوص این موضوع، کتاب یا پایان نامه ای مشاهده نشد؛ البته در قالب مقاله «اقتصاد مقاومتی در سیره امام سجاد (ع) با تأکید بر صحیفه سجادیه» تألیف خانمها زینب شریفی اسدی و منیره ناصح ستوده و مقاله «راه کارهای عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی در سیره امام سجاد (ع)» تألیف دکتر عسگر آرمون، تا حدودی متناسب موضوع بودند.

گرچه فرهنگ سازی روش زندگی اقتصادی به سبک اسلامی تا حدی به عهده دولت است، اما اجرا و عمل به آن در خانواده می تواند با اصلاح سبک زندگی در بعد اقتصادی، قدمی برای تحقق اقتصاد مطلوب بردارد. از این جهت در این پژوهش تمام آسیب ها و راه کارها از جنبه افراد مورد توجه قرار می گیرد و به آسیب های و راه کارهای دولت پرداخته نمی شود. ذکر این نکته نیز ضروری است که در این پژوهش به عمده ترین آسیب ها پرداخته شده و از ذکر همه موارد خودداری شده است. در مقابل هر رفتار نادرست اقتصادی که بر سبک زندگی فعلی حاکم است رفتار مقابل آن که مطابق با فرهنگ دینی و سبک زندگی اسلامی و با محوریت سیره و کلام امام سجاد (ع)، با هدف تغییر و جایگزینی رفتار غلط با صحیح مطرح شده است. تا علاوه بر شناسایی آسیب های اقتصادی زندگی فعلی، به نوعی راه کار نیز ارائه شده باشد.

۱- تغییر مصرف گرایی به تولید محوری

بخشی از ثروت هر کشور منابع و ذخایر آن کشور هستند. اگر کشوری نسبت به مصرف غیر اصولی منابع خود بی تفاوت باشد، در واقع نسبت به ثروت خویش بی تفاوت است. در کشوری که مصرف گرایی در آن توجیه و تبلیغ می شود درآمدهای آن کشور، نمی تواند برای رشد کشور و توسعه آن هزینه شود. بلکه درآمدها هزینه مصرف بی رویه و غیراصولی در سطح کشور خواهد شد. خانواده به عنوان کوچک ترین واحد اجتماع نیز همین طور است. خانواده مصرف گرا به سرعت با مشکلات فراوان اقتصادی روبرو خواهد شد و بسیاری از نیازها بی پاسخ خواهد ماند از این رو اسلام به شدت با مصرف گرایی مخالفت کرده است زیرا ضررهای جبران ناپذیری بر اقتصاد وارد می کند. درمان این معضل، کاهش مصرف گرایی و افزایش تولید است. مراد از تولید، اشتغال به هر نوع کار مشروع، برای تامین نیاز زندگی خانواده است، «رفاه اقتصادی جامعه در گرو دو عنصر محوری یعنی کوشش در تولید، قناعت در مصرف است» (جوادی آملی، ۱۳۹۱ش: ۱۷ / ۳۴۴)

امام زین العابدین (ع) می فرمایند: « بهره برداری از مال (به کار انداختن سرمایه) کمال مردانگی است..» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۱ / ۲۰)

در آموزه ها و سیره امام سجاد (ع)، توصیه فراوان به کار و کوشش برای کسب حلال و تولید به چشم می خورد. این توصیه ها برخی در قالب امور معنوی و ادعیه و برخی در قالب امور ظاهری صورت گرفته است.

امام امام زین العابدین (ع)، روشنایی اول روز را وقت مناسبی برای کسب روزی دانسته و سحر خیزی را از جمله عوامل گشایش معیشت بیان می دارند. (صحیفه السجادیة، دعای ششم، قطعه ششم/ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۸ / ۱۹۹) چنان که آن حضرت به ابوحمزه ثمالی توصیه می نمایند که «ای ابوحمزه! پیش از آفتاب هرگز نخواب؛ زیرا من آن را برای تو خوش ندارم. خداوند در آن زمان روزی بندگان را تقسیم می کند و به دست ما آن را به جریان می اندازد.» (برجوردی، ۱۳۸۶ق: ۲۲ / ۱۶۹)

حضرت خود همواره صبحگاهان پیش از آفتاب به دنبال روزی می‌رفت و آن را صدقه‌ای برای خانواده خود برمی‌شمرد و می‌فرمود: «هر کس [روزی] حلال بجوید، آن طلب و تلاش از جانب خداوند صدقه‌ای برای او محسوب می‌شود.» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۱۲ / ۴) این فرمایشات امام سجاد (ع) همه دلالت بر ترغیب به کار و کوشش و تولید می‌کند با این حال نباید از این حقیقت غفلت کرد که اصل رزق و روزی از جانب پروردگار عالم به بندگان افزوده می‌شود از این رو امام سجاد (ع)، اتصال به پروردگار را به عنوان سرچشمه رزق و روزی و از عوامل موثر در برطرف نمودن آشوب فکری ناشی از بحران اقتصادی بر می‌شمردند و قلوب شیعیان خویش را متوجه مبدا هستی بخش و روزی رسان واقعی و مطلق می‌نمایند. در روایتی که ابوحمزه ثمالی از امام سجاد (ع) روایت می‌کند آمده است که آن حضرت فرمودند: «هر کس هنگام خوابیدن این دعا را بخواند، خداوند فقر و تهیدستی را از وی دور می‌کند و زیان هر جنبنده‌ای را از او برطرف می‌کند: خدایا! تو آغازی و هیچ چیز پیش از تو نیست؛ و تو آشکاری و هیچ چیز بالاتر از تو نیست؛ و تو باطن و پوشیده‌ای و هیچ چیز پایین‌تر از تو نیست؛ و تو پایانی و هیچ چیز پس از تو نیست؛ خدایا! ای پروردگار آسمان‌های هفتگانه و پروردگار زمین‌های هفتگانه و پروردگار تورات و انجیل و زبور و قرآن حکیم، به تو پناه می‌برم از زیان و شر هر جنبنده‌ای که اختیارش به دست توست. همانا تو بر راه راستی.» (ابن طاووس، ۱۴۰۶ق: ۲۸۵ / کفعمی، ۱۴۱۸ق: ۳۴ / طبرسی، ۱۳۸۰ش: ۳۰۹) همچنین حضرت در ضمن نیایش‌های خود می‌فرمایند: «خداوند روز را برای مردمان روشن و مایه دید آفرید، تا در آن نعمت و فضل او را بطلبند، و به جستجوی روزی او با اسباب آن برآیند، و در زمین او گردش کنند، به طلب آنچه در این جهان به کارشان آید برخیزند، و به آنچه در جهان دیگر به آن نیاز دارند دسترسی پیدا کنند و خداوند با این همه (حرکت و تلاش در راه برآوردن نیاز دنیوی و کسب اجر اخروی) به اوضاع بندگان خویش سامان می‌دهد.» (صحیفه السجّادیه، دعای ششم، قطعه ششم) همچنین در جای دیگر می‌فرمایند: «خداوند، چه فراوان مردمانی را دیده‌ام که از غیر تو عزت طلبیدند و خوار گشتند، و از غیر تو ثروت خواستند و فقیر شدند، و به تلاش برای بلندپایگی و مقام برخاستند و پست گردیدند» (صحیفه السجّادیه، دعای ششم، قطعه ششم)

پس آن حضرت پایه و اساس تلاش و کوشش جهت تولید ثروت را بر توکل به خداوند متعال استوار می‌نماید و در سخنی دیگر در همین راستا می‌فرمایند: «خداوند هر کس را که پس از توکل به او، درباره فقرش شکایت به درگاه رزاق عظیم بنماید، بی‌نیاز می‌کند» (صحیفه السجّادیه، دعای شانزدهم، قطعه اول) و همچنین می‌فرماید: «خداوند آن کس را که جز او رزاقی نمی‌شناسد، ناامید نمی‌کند» (همان) مضامین ادعیه حضرت نیز دعوت به توکل بر خدا می‌باشد: «سپاس خدای را که ... ما را با روزی های پاک پرورد، و با فضل خود بی‌نیازمان کرد، و به عطای خویش ما را سرمایه داد» (صحیفه السجّادیه، دعای اول، قطعه بیستم) درخواست تولید ثروت و افزایش مال از خداوند متعال در ادعیه امام زین العابدین (ع) نیز به چشم می‌خورد چنانچه در مورد مزدداران می‌فرمایند: «خدایا بر اموالشان بیفزای» و «درآمدشان را سرشار نما» (صحیفه السجّادیه، دعای بیست و هفتم، قطعه هفت و سیزده) بنابر این توکل بر خدا در امر تولید مال و ثروت امری ضروری است که با تلاش و کوشش منافاتی ندارد. افزایش و تولید ثروت که در پی تلاش و کوشش حاصل می‌شود فواید و آثار نیکی دارد که به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۱- رفع فقر و محرومیت

امام سجاد (ع) خانواده و جامعه اسلامی را شایسته فقر و تنگدستی نمی‌دانند؛ چرا که فقر و تهیدستی، علاوه بر اینکه آرامش روانی افراد را مختل می‌کند، زمینه لازم را برای ایجاد اختلاف بین افراد در خانواده و نیز فساد و بزهکاری در جامعه فراهم می‌سازد. بر همین اساس حضرت از دچار شدن به فقر و تهی دستی به خداوند متعال متوسل می‌شود: «خدایا از فقر و بی‌چیزی به تو پناه می‌برم» (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۱۶۳)

به همین مناسبت حضرت از خداوند می‌خواهند که: «بار خدایا، مرا از کسانی قرار ده که به جود و کرمی از خوان گسترده فضل و احسان تو روزی خوردند.» (صحیفه السجّادیه، دعای بیست و نهم، قطعه سوم)

۲-۱- بی نیازی از دیگران

یکی دیگر از آثار تولید ثروت، خودکفایی و استقلال اقتصادی و بی نیازی از دیگران است. از دیدگاه امام سجاد (ع)، بی نیازی از دیگران از شاخصه های اقتصاد مطلوب و شایسته است. در این زمینه آن حضرت فرموده‌اند: «دست نیاز به سوی مردم دراز کردن، سبب ذلت و خواری در زندگی و در معاشرت خواهد بود و نیز موجب از بین رفتن حیا و ناچیز شدن شخصیت خواهد شد، به طوری که همیشه احساس نیاز و تنگ دستی نماید و هرچه کمتر به دیگران رو بیندازد و کمتر درخواست کمک نماید بیشتر احساس خودکفایی و بی نیازی خواهد داشت. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش: ۲۷۹). و در جای دیگر می‌فرمایند: از مردم اظهار نومیدی و بی‌نیازی کن که این دارائی واقعی است، و درخواست خود را از آنان کم کن که آن نیاز حاضر است. و از خدا چنین می‌خواهند: «خدایا بر من از فضل خویش، روزی عطا کن که، جز به خودت به کس دیگری نیازمند نباشم». (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲ / ۱۶۱)

از منظر امام سجاد (ع) دل سپاری به دیگران در رفع نیازها، زیان و ناامیدی را برای فرد در پی خواهد داشت: «هر کس حاجت خود را به یکی از بندگان محتاج و فقیر خداوند بگوید، یا او را به جای خدا وسیله بر آمدن حاجت یا حاجت‌هایش قرار دهد، خود را در معرض نومیدی و زیان قرار داده و نمی‌تواند انتظار احسان از جانب خداوند برای خودش را داشته باشد». (صحیفه سجادیه، بخشی از دعای سیزدهم)

۲- تغییر سوء مدیریت در مصرف به تدبیر در مصرف (اصلاح الگوی مصرف)

سوء مدیریت در مصرف و نیز تدبیر در مصرف در نقش غیر قابل انکاری در رکود یا شکوفایی اقتصادی خانواده دارد. سوء مدیریت در مصرف، به معنای عدم مدیریت صحیح در تهیه، نگهداری و مصرف کالا است و این موضوع اعم از اسراف می‌باشد زیرا ممکن است اتلاف مال به جهت اسراف آن نباشد، بلکه به دلیل عوامل دیگر مانند بی‌تدبیری در تهیه کالا باشد. به همین دلیل سوء مدیریت به صورت مستقل از اسراف مطرح می‌شود. هر چند در برخی مصادیق سوء مدیریت به دلیل اسراف است و از این جهات با هم تداخل پیدا می‌کنند.

مال در اسلام امری است دارای حدود، که برای آن، در اصل خود و مالکیت و مقادیر آن، و راه‌های به‌دست آوردن و کیفیت مصرف کردن آن، حدودی معین شده است. (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰ش: ۳ / ۲۵۰) امام سجاد (ع) می‌فرمایند: «حق مال، آن است که جز از راه حلال به دست نیآوری و جز در راه حلال خرج نکنی و آن را از جایگاه‌های خود منحرف نسازی و از وضع حقیقی (مصرف‌های درست آن)، دور نداری؛ و چون از خدا باشد، جز در راه خدا و قرب به خدا به کار نبری». (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش: ۱۹۱)

مدیریت در مصرف اموال، یکی از مفاهیم اساسی است که در منابع اسلامی بر روی آن تأکید شده است. یکی از راه‌کارهای اصلی مدیریت مصرف در خانواده، ایجاد تعادل میان درآمد و مخارج است؛ لازمه این مساله، نیاز سنجی، شناسایی نیازهای واقعی و اولویت بندی میان نیازها بر اساس توانایی مالی است

بر این اساس، امام زین‌العابدین (ع) سعی در برطرف نمودن نیازهای ضروری خانواده داشتند و در این زمینه می‌فرمود: «چنان چه وارد بازار شوم و درهمی داشته باشم و با آن برای خانواده‌ام گوشتی بخرم که بدان رغبت کرده‌اند، برای من محبوب‌تر است از این که بنده ای را آزاد کنم» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۷ / ۲۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق: ۱۴۰۶ق، ۶ / ۴۶۱)

آن‌چه از سیره و کلام سیدالعبیدین (علیه السلام) به دست رسیده است، تعلیم مبنای فرهنگ صحیح مصرف، میانه روی در مصرف و پرهیز از پایمال کردن و نابجا مصرف کردن اموال است. بر همین مبنا می‌فرمایند: «از اخلاق مؤمن است، کم خرج کردن به هنگام تنگدستی، و بیشتر خرج کردن به وقت توانگری» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۳ / ۶۱۱)

حضرت امام سجاد (ع)، رعایت تعادل و میانه روی در معیشت را زمینه ساز عاقبت بخیری و فزونی نعمت معرفی نموده و در این زمینه فرموده است: «انسان باید به مقدار اعتدال و به قدر کفاف خرج کند و زیادی‌اش را برای آخرت بفرستد زیرا چنین

رفتاری باعث بقای بیشتر نعمت گشته و به فرونی نعمت از جانب خدا نزدیکتر و در عاقب سودمندتر است. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۷ / ۳۳۸)

۳- تغییر اسراف و تبذیر به میانه روی و کفاف

اسراف و تبذیر آسیب‌های بسیاری بر خانواده وارد می‌کند و اصلاح و درمان آن نیاز به بازنگری در سبک زندگی دارد. اسراف از مهم‌ترین عوامل پیدایش مشکلات اقتصادی و به هم خوردن تعادل در امور مختلف خانواده است.

واژه اسراف از ریشه «سرف» و در لغت به معنی «تجاوز کردن و از حد گذشتن در هر کاری است که انسان انجام دهد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۰۷) و واژه تبذیر در اصل از ریشه «بذر» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴ / ۵۰) و به معنی پاشیدن دانه می‌آید، این کلمه در مواردی استعمال می‌شود که انسان اموال و یا نعمتی را که در اختیار دارد، به صورت غیر منطقی و با مصرف نابخردانه، آن را هدر بدهد. معنای مقابل این دو، قصد و میانه روی است.

در قرآن کریم به شدت با اسراف مخالفت شده (سوره انعام، آیه ۱۴۱ / سوره اعراف، آیه ۳۱) و از تبذیر کنندگان تحت عنوان برادران شیاطین یاد شده است. (سوره اسراء، آیه ۲۷) در روایات نیز انسان مُسرف مذمت شده است؛ از جمله در روایتی ابو اسحاق در یک حدیث مرفوع از امام سجّاد (ع) نقل می‌کند که امیر المؤمنین (ع) فرمود: «شخص اسراف کار سه علامت دارد: چیزی را که شایسته او نیست می‌خورد و لباسی را که شایسته او نیست می‌پوشد و چیزی را که شایسته او نیست می‌خرد.» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش: ۱ / ۹۷)

در سیره امام سجّاد(ع) آمده است که هر گاه ایشان می‌دیدند نانی در خانه افتاده، گرچه باندازه دم کش مورچه ای بود، از وعده غذایی خانواده به اندازه آن می‌کاست. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۶۳ / ۴۳۲؛ ابن حیون، ۱۳۸۵ق: ۲ / ۱۱۵) پیامبر خدا (ص) فرمودند: «از ریخت و پاش حذر کن که خداوند متعال می‌فرماید: ریخت و پاش کنندگان، برادران شیطانند» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۸۴) و هر که ریخت و پاش کند، خداوند به فقر گرفتارش کند. (ورام، ۱۴۱۰ق: ۱ / ۱۶۶)

در دستورات اسلام، از اسراف حتی در خوردن نیز نهی شده است؛ (سوره اعراف، آیه ۳۱) امام زین العابدین (ع) در مذمت این عمل چنین می‌فرماید: «وای بر تو ای فرزند آدم! بدان که سنگینی پُرخوری و رخوت و تنبلی برخاسته از انباشتنِ معده و مستی سیری و غفلت حاصل از قدرت، از چیزهایی هستند که انسان را در زمینه عمل گُند و تنبل می‌کنند و ذکر خدا را از یاد او می‌برند و از نزدیک بودن مرگ، غافل می‌سازند.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش: ۲۷۳)

انفاق اگر چه مورد تاکید بوده و عملی مستحب است، اما حتی در میزان بخشش به آن نیز توصیه به میانه روی شده است؛ خداوند در توصیف «عباد الرحمن» می‌فرماید: «مؤمنین و بندگان صالح خدا کسانی هستند که در انفاق کردن، نه زیاده روی می‌کنند و نه سختگیری، بلکه راه اعتدال و میانه‌ای را انتخاب می‌کنند. (سوره فرقان، آیه ۶۷) لذا امام سجّاد (ع) می‌فرماید: «همانا کسی مالش را در راه حق مصرف می‌کند و با این حال اسراف‌کننده است.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۳ / ۱۶۷)

امام زین العابدین (ع) در ضمن دعایی از خداوند متعال درخواست می‌کند که روش صحیح مصرف و الگوی درست معیشت را به وی عنایت کند؛ «پروردگارا! ... پرده ای بین من و اسراف حایل کن و با در پیش گرفتن انفاق و میانه‌روی به زندگی من قوام بخش و راه‌های صحیح مصرف و اندازه‌گیری در معیشت را به من تعلیم فرما و به لطف خود مرا از ارتکاب تبذیر برکنار دار.» (صحیفه السجّادیه، دعای سی‌ام، قطعه سوم)

از اصول اقتصادی در اسلام که در مقابل اسراف و تبذیر قرار می‌گیرد، صرفه جویی و اعتدال در مصرف است. بر اساس آموزه های دینی و بر پایه حکم عقل و تجربه، میانه روی در مصرف، تأثیر بسیاری در سامان دهی امور اقتصادی و کاهش هزینه ها و در نتیجه پیش گیری از فقر و عقب ماندگی خانواده دارد.

در حقیقت اقتصاد و میانه روی چیزی جز اندازه گیری مخارج و پاسخ گویی درست و مناسب به نیازهای مادی بشر نیست. اگر کسی در زندگی اندازه نگه دارد و بر اساس میزان دخل و خرج و نیاز مناسب عمل کند، هرگز گرفتار فقر و بی‌نوایی نمی‌شود؛ امام سجّاد (ع) نقل می‌کند: آخرین چیزی که خضر به موسی بن عمران وصیت کرد، این بود که گفت: همانا محبوب‌ترین

کارها نزد خدا سه چیز است: که یکی از آنها میانه روی در گشاده دستی است. (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش: ۱ / ۱۱۱) در روایتی دیگر ابوحمزه از امام زین العابدین (ع) روایت می کند که رسول خدا (ص) فرمود: «سه چیز نجات بخش است ... و میانه روی در بی نیازی و تنگدستی.» (مجلسی، ۴۰۳ق: ۷۷ / ۵۲)

امام زین العابدین (ع) از خداوند می خواهد که خداوند او را به بخشندگی و میانه روی استوار بدارد (صحیفه سجّادیه، دعای سی ام، قطعه سه) و از میانه روی بهره مند سازد. (صحیفه سجّادیه، دعای بیستم، قطعه نوزدهم)

همچنین حضرت در دعای سی ام می فرماید: «و مرا از اسراف در مصرف و زیاده روی بازدار، و به جود و میانه روی در امور زندگی سامان بخش، بیاموزم که به نیکی امورم را تنظیم کنم، و به لطف از ولخرجی بازدار، و روزیم را از راه های حلال روان ساز و خرج کردنم را در کارهای خیر قرار ده، و ثروتی که در من خودبینی و کبر پدید آورد، یا مرا به ستم بکشاند و یا طغیان و سرکشی به دنبال آورد، از من دور ساز» (صحیفه سجّادیه، دعای سی ام، قطعه سوم)

بر این اساس، اصل میانه رویی در معیشت و خودداری از «اسراف و تبذیر» و در عین حال احتراز از «اقتار و خساست» در زمره مهم ترین آموزش های نظام اقتصادی تربیتی اسلام است.

۴- تغییر تجمل گرایی به ساده زیستی

تجمل گرایی و تمایل به زندگی های تشریفاتی و پر زرق و برق، از جمله معضلاتی است که پیامدهای ناگواری در زندگی فردی و اجتماعی به دنبال دارد و زندگی های جامعه کنونی را از مسیر سبک زندگی اسلامی خارج کرده است. تجمل گرایی به معنای تمایل های افراطی و دل بستن به مادیات و زر و زیورهای دنیا و لوازم اضافی و کم مصرف است. بسیاری از خانواده ها حتی خانواده ایی که تمایلات مذهبی دارند به این معضل مبتلا هستند

حضرت امام سجاد(ع) تأکید ویژه ای بر داشتن برنامه ریزی درست اقتصادی و متعادل بودن در معیشت و مصارف اقتصادی در چارچوب نیازهای معقول و منطقی انسان دارد. از منظر آن حضرت اگر فردی دارایی و ثروت زیادی دارد، به جای روی آوردن به تجمل گرایی و خارج از محدوده نیاز مصرف کردن، به دستگیری از نیازمندان و حمایت اقتصادی از آنان بپردازد. حضرت، آثار دستگیری از نیازمندان را چنین ترسیم می فرماید: «هرکس مؤمن گرسنه ای را طعام دهد خداوند او را از میوه های بهشت اطعام می نماید و هر که تشنه ای را آب دهد خداوند از چشمه گوارای بهشتی سیرابش می گرداند و هرکس مومن برهنه ای را لباس بپوشاند خداوند او را از لباس سبز بهشتی خواهد پوشاند. (کلینی، ۱۴۲۹، ۳ / ۵۱۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۱۶۴؛ حمیری، ۱۴۱۳ق: ۱۲۰)

در مقابل تجمل گرایی، اسلام دعوت به ساده زیستی در عین زیبایی و پیراستگی می کند.

در سیره رسول خدا (ص) آمده است که رسول خدا از مال خود هزار بنده بخاطر رضای خداوند آزاد نمود که همه آنان را از دسترنج و عرق پیشانی به دست آورده بود، در حالی که غذای خانواده اش روغن و سرکه و خرما بود. و لباس او کرباسی بیش نبود که اگر چیزی از آستین دستش بیشتر می آمد و بلندتر بود، با قیچی آن را می برید و کوتاه می کرد. و شبیه ترین افراد از فرزندان و اهل بیتش به او در لباس و فقهش، علی بن الحسین - علیه السلام - (امام سجّاد) بود. (قطب راوندی، ۱۳۷۸ش: ۶۰۶)

۵- تغییر چشم و هم چشمی به عدم چشم داشت

چشم و هم چشمی و معارضه کردن در افزونی مال و بزرگی، را در لغت عرب مَکَاثِرَةٌ و تَکَاثُرٌ گویند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ذیل واژه کثر) همچنین نَفْسٌ نَفَاسًا و مُنَافَسَةٌ [نفس] فَلَانًا فِی الْأَمْرِ: با او رقابت و هم چشمی کرد، (بستانی، ۱۳۷۵ش: ۸۹۲) به کار می ورد.

از دیگر معضلات جامعه فعلی رقابت منفی و چشم و هم چشمی در بین برخی افراد است که صدمات جبران ناپذیری در ابتدا به خانواده ها و سپس به جامعه به خصوص در بُعد اقتصادی وارد می کند. در سبک زندگی اسلامی چشم و هم چشمی نفی شده

است. درباره ویژگی مومنین آمده است که در باره دنیا چشم و هم چشمی ندارند و به خرمی آن شاد و از سختی آن اندوهگین نمی شوند. (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ش: ۲ / ۴۴۴)

کسی که در رقابت منفی چشم و هم چشمی، به مقایسه مادی زندگی خود با زندگی دیگران می پردازد، گرفتار نوعی خودکم-بینی می شود و خود را در میان مردم خوار و پست می شمارد؛ (سوره فجر، آیه ۶۱) چنین کسی از حالت استغنا و بی نیازی دور شده و همیشه حالت نیاز و کمبود را در خود زنده نگه می دارد. امام زین العابدین (ع) فرمود: از آنچه در دست مردم می باشد دست بردار، بی نیازی در همین است و از مردم کمتر حاجت بخواه که این خود فقر است. (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۱۲۵ - ۱۲۶)

حضرت فرمودند: «من ضامن بر پروردگارم باشم که هیچ کس بدون حاجت و نیاز سؤال نکرده جز آن که خدای تعالی او را مجبور به سؤال و درخواست از دیگران در حالی که نیازمند است می کند» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۹۹)

از نظر این دسته از افراد، اگر وضعیت مادی مطلوب شود، وضعیت اعتباری و روحی آنان نیز بهتر می شود، (سوره فجر، آیه ۵۱) روشن است که احساس کمبود، فرد را به زندگی موجود خویش بی علاقه می کند و همواره حسرت زندگی دیگران را می خورد. درخواست امام زین العابدین (ع) از خداوند، تاج بی نیازی، نیازموندن با فراخی معاش، و آسایش نیکو و زندگی آسان است. (صحیفه سجاده، دعای بیستم، قطعه بیست و دو، بیست و سه و بیست و چهار)

علاوه بر این که فردی که ملاک مادی زندگیش، زندگی مادی دیگران است، در اولویت و تامین هزینه ها دچار مشکل می شود؛ پس از احساس نیاز و کمبود، درصدد جبران آن بر می آید، خود را به زحمت و سختی می اندازد و از راه حلال یا حرام مقصود را تأمین می کند و به فسادانگیز بودن آن نمی اندیشد. از منظر امام زین العابدین (ع) اولویت ندادن به نیازها موجب بروز مسائل مختلف اقتصادی از جمله سبب افزایش مخارج نسبت به درآمدها و بدهکاری فرد و خانواده می گردد تا چایی که زیر بار قرض و دین و قسط می رود؛

در حالی که امام سجاد (ع) از قرض و وام به خدا پناه می برند: «بار خدایا، بار پروردگارا، به تو پناه می آورم از اندوه وام و اندیشه آن، و از دل مشغولی به قرض و بی خوابی به خاطر آن. پس بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از رنج وام به خود پناه ده. بار پروردگارا، از خواری قرض در طول زندگی و از پیامدهایش پس از مرگ به تو پناه می آورم. پس بر محمد و آل او درود فرست، و مرا با فراوانی مال، یا زندگانی همراه با کفاف، از آن در امان دار.» (صحیفه سجاده، دعای سی ام، قطعه دوم) از منظر حضرت بزرگ ترین مصیبت، بدهکاری و بالاترین محرومیت و بلا همان بدهکاری است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۳ / ۴۲۰)

لازمه اقتصاد سالم، خرید به مقدار نیاز و به صورت ضروری است، یعنی برای تهیه هر چیز دلیل منطقی وجود داشته باشد و این میسر نمی شود مگر چشم و هم چشمی هایی که بر سبک زندگی خانواده ها سایه افکننده است اصلاح شود.

امام سجاد (ع) در بیان اهداف آفرینش می فرماید: «خداوند روز را برای مردمان روشن و مایه دید آفرید، تا در آن فضل و نعمت خدا را بطلبند و آن را وسیله ای برای ادای تکالیف و واجبات خود قرار دهند، تا به مقامات جاودانی برسند؛ نه اینکه کسب مال را مقصد اصلی زندگی بدانند، و همه هدفها و مضمونهای زندگی انسانی را منحصر در آن بینند» (صحیفه سجاده، دعای ششم، قطعه ششم)

در همین دعا جمله دیگری آمده که هدف های حکیمانه الهی را مصور می سازد: «بکلّ ذلک یصلح شأنهم با همه این مواهب (وسائل رفع نیاز دنیوی و کسب اجر اخروی) است که خداوند وضع و حال ایشان را به سامان می آورد» (همان) پس هدف اصلاح شأن انسان و رشد خانواده و جامعه بشری است تا شئون انسان تباه نگردد و به آن جا منتهی نشود که در این جهان و در آن جهان، گرفتار سقوط گردد، خواه به دلیل فقر و بدبختی که مانع رشد روحی و پیشرفت اجتماعی است؛ یا به دلیل تکاثر و مصرف اترافی که مانع رشد سالم انسانی است. (ر.ک: حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰ش: ج ۳ / ۲۸۰ - ۲۸۱)

۶- تغییر زندگی حریص مدارانه به زندگی قناعت محور

حرص مصدری عربی است و یکی از دو معنای اصلی آن خواستن و تمایل بسیار زیاد به چیزی است: (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ذیل واژه «حرص»؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ذیل واژه «حرص») در فارسی از آن به «آز» و «زیادت جویی» تعبیر می شود. (دهخدا،

بی تا: ذیل واژه «حرص»). نقطه مقابل آن قناعت (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۱ / ۴۷؛ برقی، ۱۳۷۱ق: ۱ / ۹۷) و توکل است. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۱ / ۴۴؛ برقی، ۱۳۷۱ق: ۱ / ۹۷)

«حرص حالتی نفسانی است که موجب می‌گردد انسان بدون این‌که به حد معینی اکتفا کند، به جمع آوری اموالی بپردازد که نیازی به آن‌ها ندارد.» (نراقی، ۱۳۸۷م / ۱۹۶۷ق: ۲ / ۱۰۲) حرص در واقع نشانه خرسند نبودن و سوء ظن داشتن انسان به رزقی است که خداوند برایش مقدر کرده است. (منسوب به امام جعفرصادق (ع)، ۱۴۰۰ق / ۱۹۸۰م: ۱ / ۱۱۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۴ / ۳۹۳) امام سجاد (علیه السلام)، مردم را از سوء ظن داشتن بر خداوند در زمینه مسائل زندگی و از جمله مسائل اقتصادی برحذر می‌دارد و در ذیل دعایی می‌فرماید: در روزی هایتان نسبت به خدا سوء ظن نداشته باشید. (صحیفه سجادیه، دعای بیست و نهم، قطعه اول)

حرص ورزیدن نسبت به دنیا صفتی ناپسند است که در احادیث متعدد نکوهش شده است. امام سجاد (ع)، از رذیله حرص به خدا پناه می‌برند: (صحیفه سجادیه، دعای هشتم، قطعه اول)

در منابع اخلاقی، مجموعه‌ای از دستوره‌های عملی و نظری برای زدودن رذیله حرص، بیان شده است؛ (ر.ک: ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش: ۱ / ۲۸۵؛ غزالی، بی تا: ۳ / ۲۴۱-۲۴۳؛ نراقی، ۱۳۸۷م / ۱۹۶۷ق: ۲ / ۱۰۶-۱۰۷) قناعت به عنوان یکی از راهکارهای عملی مبارزه با حرص، نیاز جامعه فعلی برای عبور از فشارهای اقتصادی دشمن است. «قناعت به معنای بهره‌وری از مال به مقدار نیاز و ضرورت و مترادف با میانه روی در خرج کردن و هزینه نمودن مال برای خود و خانواده است...» (نراقی، ۱۳۷۷: ۳۳) در فرهنگ دینی، «قناعت» از جمله مهم‌ترین و مؤثرترین ابزارها برای رسیدن به وضعیت اقتصادی مطلوب است. خصلت قناعت، در بستر زندگی فردی و حتی اجتماعی با وجود برخورداری و دارایی، مهار مستحکمی بر افسار هزینه و مصرف می‌زند.

قناعت، دارا بودن یا ندار بودن نیست بلکه عنصر اصلی در مفهوم قناعت اکتفا نمودن به ضروریات زندگی است؛ اگر این خصوصیت برای انسان ملکه گردد نتایج ارزشمندی به دنبال خواهد داشت. ابو حمزه ثمالی گوید: از امام سجاد (ع) شنیدم فرمود: هر کس قناعت کند به آنچه خدا به او داده است از بی‌نیازترین مردم می‌باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۶۶ / ۴۰۲)

فرد قانع چنانچه از دنیا بهره‌مندیش زیاد باشد در عرصه مصرف و هزینه به مقدار لازم و ضرورت اکتفا می‌نماید و از هرگونه اسراف و افراط دوری می‌کند و چنانچه از دنیا بهره‌مندیش کم باشد، با قناعت، عزت‌مندانه زندگی می‌کند؛ امام سجاد (ع)، این روحیه را از اخلاق مومن برمی‌شمرند: «به راستی، از اخلاق مؤمن است انفاق به اندازه شرائط سخت زندگی و گشاده دستی به اندازه گشایش در زندگی...» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش: ۲۷۹) و همچنین می‌فرمایند: «پسندیده‌ترین شما نزد خدا کسی است که کامل‌تر به عیالش می‌رسد.» (بروجردی، ۱۳۸۶ق: ۲۶ / ۹۶۷)

برخلاف فرد قانع، حریص با وجود دارایی، نتیجه افزون طلبی و زیاده خواهی‌اش جزء پستی و حقارت به دنبال ندارد. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش: ۳۰ / نهج البلاغه، حکمت ۲)

امام سجاد (ع) فرمود: «من همه نیکی‌ها را در نداشتن می‌دانم و اینکه آدمی از مردم امید نداشته باشد، هر کس از مردم قطع امید کند و کارهایش را به خداوند واگذار کند خداوند دعاها را او را مستجاب می‌کند» (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۱۲۶)

۷- تغییر صفت رذیله خساست و بخل به سخاوت و انفاق

«خل مقابل سخاوت است، و آن است که شخص بخیل نتواند دیگری را به حالت نعمت و ثروت و تشخص مادی و معنوی ببیند، تا برسد به آنکه خود احسان و انفاق و تعلیم و راهنمایی کند.» (منسوب به امام جعفرصادق ع، مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقه، ترجمه مصطفوی، ص ۲۲۰) حرص و طمع و بخل از مهم‌ترین شعبه‌های حب دنیا بوده و هر یک از آن‌ها خود منشأ رذایل فراوان دیگری می‌گردد؛ امام سجاد (ع) فرمود: دانسته‌ام که تمامی خیر و خوبی در بریدن طمع و چشم نداشتن به آنچه که در دستان مردمان است جمع شده است. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۳ / ۳۸۱؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۱۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق: ۱۳ / ۶۰) مبارزه با این بیماری‌های روحی نقش اساسی را در سبک زندگی اسلامی داراست. دین اسلام، که همه ابعاد انسان را مورد توجه قرار داده است، دستورها و قوانین جامعی برای ساماندهی اقتصاد تنظیم نموده است. از یک سو برای مبارزه با برخی رذایل اخلاقی که منشأ آن حب دنیا است و از سوی دیگر برای جلوگیری از انباشت ثروت در دست عده خاصی از افراد جامعه و

محرومیت زدایی و در نتیجه از بین رفتن فاصله های طبقاتی، دستورهای در قالب پرداخت های مالی واجب و مستحب داده است. چنان که قرآن بر این مساله تاکید می کند: (ر.ک: سوره حشر، آیه ۷، نور، آیه ۲۲).. امام سجاد (ع)، یکی از چهار چیزی را که موجب می شود فرد، ایمانش کامل، گناهانش نابود و با پروردگارش ملاقات کند در حالی که از او خشنود باشد، پرداخت حق مردم که خدا به گردن فرد نهاده، می شمارند. (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۹۹ / طوسی، ۱۴۱۴ق: ۷۳)

در مورد پرداخت های مستحب، در سیره و کلام حضرت توصیه های فراوانی صورت گرفته است؛ از منظر امام سجاد(ع)، یکی از زمینه های اصلاح اقتصادی و برقراری تعادل اقتصادی در جامعه، رفع مشکل اقتصادی نیازمندان و فقیران می باشد. این عمل علاوه بر ثمرات دنیوی، موجب رحمت الهی و رهایی از سختی ها و شدائد اخروی می شود. در این راستا آن حضرت می فرماید: سروران این جهان سخاوتمندان، و سروران آن جهان، پرهیزگارانند. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش: ۲۱۲؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۲۳۲؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ش: ۲ / ۳۸۵) همچنین فرمودند: «اگر سه خصلت در مؤمنی باشد در امان خدا است و روز قیامت شامل رحمت الهی می شود و از سختی ها و گرفتاری های صحرای محشر به دور خواهد بود: اولین این خصلت ها آن است که در کارگشائی و کمک به نیازمندان و درخواست کنندگان دریغ ننماید. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ش: ۲۸۲ / کلینی، ۱۴۲۹ق: ۲ / ۱۴۷)

آن حضرت فرمودند: خوشا به حال کسی که ... زیادی از مالش را انفاق کند». (دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۱۱۹) در منابع دیگر، آن حضرت همین کلام را از حضرت رسول اکرم (ص) را نقل می کنند. (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۳، ص ۳۷۰ / مفید، الإختصاص، ص ۲۲۸) و یکی از پنج نشانه مؤمن را صدقه در هنگام تنگدستی برمی شمردند. (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش: ۱ / ۲۶۹ / لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش: ۲۴۴)

چنانچه سیره حضرت نیز بر انفاق و رسیدگی به حال مستمندان بود. در احوالاتشان آمده است: «چون مستمندی نزد او می آمد، برمی خواست و حاجت او را روا می کرد و می فرمود: «صدقه پیش از آن که به دست خواهنده برسد، به دست خدا می رسد». (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۱۸ / عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۲ / ۱۰۸؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۶۷۳) و چون گدائی نزد او می آمد می فرمود: «مرحبا به کسی که توشه مرا به آخرت می برد». (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ص ۱۰۰) حضرت دوبار مال خود را با مستمندان قسمت کرد. (همان)

یکی از اقدامات حضرت جهت رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی افراد نیازمند و محروم، دستگیری و کمک های غیرعلنی بوده است؛ امام «ع» در تاریکی شب از خانه بیرون می رفت، و انبانی بر دوش خود حمل می کرد که در آن کیسه های درهم و دینار بود و بسا می شد که بر پشت خود خوراکی یا هیزم حمل می کرد و به در یکایک خانه های مورد نظر می رفت و آن را می کوبید تا کسی بیرون آید و آن چه را که سهم او بود بگیرد. صورت خود را در هنگام بخشیدن چیزی به فقیر می پوشاند تا او را نشناسد. (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش: ۲ / ۵۱۷)

در تاریخ آمده: مردمی از مدینه زندگی می کردند و نمی دانستند معاش آنها از کجا تأمین می شود؛ از جمله آن افراد، پسر عموی مستمند حضرت بود که می گفت: علی بن الحسین رعایت خویشاوندی را نمی کند، خدا او را سزا دهد. امام این سخنان را می شنید و شکیبائی و بردباری می کرد و خود را معرفی نمی کرد؛ با وفات امام غذای شبانه آنان قطع شد. هنگامی که بینوایان از آنچه می گرفتند محروم ماندند، دانستند که او علی بن الحسین (ع) بوده است. (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ص ۱۰۰)

برداشتن این انبان ها بر پشت حضرت اثراتی ایجاد نموده بود، پس از شهادت ایشان، هنگام غسل بر پشت ایشان لگه هایی همچون لگه های زانوی شتر بود که اثر حمل بار به خانه های فقیران و نیازمندان را نشان می داد؛ (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰ش: ۳ / ۳۰۲) آن حضرت متکفل صد خانواده از فقراء مدینه بود (همان) و خوشحال می شد که یتیمان و بیماران و زمینگیران و مسکینان- که هیچ راهی برای به دست آوردن طعام نداشتند- بر سر سفره او بنشینند و از طعام او بخورند، و او خود خوراک را به دست خود به ایشان می داد، و هر کس که عیالی داشت سهم آنان را نیز به او می داد تا برای عیال خود ببرد. (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ص ۹۹ / ابن بابویه، ۱۳۶۲ش: ج ۲، ص ۵۱۷)

ابوحزمه ثمالی نقل می‌کند: علی بن حسین (علیه السلام)، شبانه مقداری غذا بر دوش خود گذاشته و در تاریکی شب به صورت مخفیانه به فقرا می‌رساند و می‌فرمود: « صدقه ای که پنهانی داده شود، غضب خداوند را خاموش می‌کند. (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق: ۴ / ۱۵۳؛ ابن بابویه، ۴۰۶ق: ۳۲۹ / ۱۴۳)

سید العابدین ع، سالی قصد حج کرد؛ خواهرش سکینه توشه‌ای به ارزش هزار درهم برای وی آماده ساخت. چون به حره رسید، آن توشه را نزد او بردند، امام همه آن را بر مستمندان پخش فرمود. (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ص ۹۳)

دعوت به صدقه و انفاق در سیره و کلام معصومین، در حالی است که همواره بر کار و کوشش برای استقلال اقتصادی توصیه و تأکید کرده و از اظهار احتیاج و فقر نهی فرموده‌اند. استغناء و بی‌نیازی از مردم مورد تحسین اسلام می‌باشد. با این جامع‌نگری دستورات اسلام در زمینه اقتصادی، هم کمبودها و خلأها جبران گشته و هم از سستی و تنبلی و بار خویش را برگردن دیگران افکندن، جلوگیری به عمل آمده است.

نتیجه‌گیری

دین اسلام کامل‌ترین دین و در بردارنده تمام نیازهای زندگی برای انسان می‌باشد؛ راه رسیدن به سعادت در عمل به دستورات آن است. زندگی به سبک دینی زندگی توأم با آرامش و حاکمیت ارزش‌هاست. خانواده‌ای که سبک زندگی دینی بر آن حاکم باشد خانواده‌ای سعادت‌مند و با اقتصادی مستحکم خواهد بود؛ اگر اکثر خانواده‌ها از این الگو تبعیت کنند سعادت و استحکام اقتصاد جامعه را نیز به دنبال خواهد داشت. حاکم شدن روحیه مصرف‌گرایی، سوء مدیریت در مصرف، اسراف و تبذیر، تجمل‌گرایی، چشم و هم‌چشمی، حرص بر جمع مال، و بخل و خساست نسبت به اموال از جمله آفاتی است که اقتصاد خانواده و به تبع آن جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد. اگر این آفات درمان نشوند ثروت‌ها و نعمت‌های خانواده به مرور زمان از دست رفته و روحیه قناعت و صرفه‌جویی رخت بر می‌بندد و فقر بر خانواده حاکم خواهد شد. برای تحقق اقتصاد مبتنی بر سبک زندگی اسلامی در خانواده، چاره‌ای جز تغییر سبک‌های زندگی آفت‌زا نیست. کلام و سیره امام زین العابدین (ع) که شامل دعوت به تولید ثروت، تکیه بر تلاش و کوشش، مدیریت مدیرانه مصرف، میانه‌روی و کفاف، ساده زیستی، عدم چشم‌داشت به دارایی دیگران، قناعت، سخاوت و انفاق می‌باشد راهبردهای بسیار موثری است که با بکاربردن آن‌ها مقصود حاصل خواهد شد.

منابع

- * قرآن مجید
- * نهج البلاغه، ترجمه محمددشتی.
- * صحیفه سجادیه، (۱۳۷۶ش)، قم، نشر الهادی.
- ۱. (منسوب به) امام جعفر صادق (ع)، (۱۴۰۰ق / ۱۹۸۰م)، مصباح الشریعۀ، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات.
- ۲. -----، (۱۳۶۲ش)، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
- ۳. -----، (۱۴۰۶ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- ۴. -----، (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،
- ۵. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضا و الاحکام، آصف، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- ۶. ابن شعبه حرانی، حسن، (۱۳۶۳ش)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم، جامعه مدرسین.
- ۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد، (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: علامه.
- ۸. ابن فارس، أحمد، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۹. ابن فهد حلی، احمد، (۱۴۰۷ق)، عدة الداعی و نجاح الساعی، بی جا: دار الکتب الإسلامی.
۱۰. ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۱. اربلی، علی، (۱۳۸۱ق)، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز، بنی هاشمی.
۱۲. برقی، احمد، (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیة.
۱۳. بروجردی، آقا حسین، ترجمه عده ای از فضلا، (۱۳۸۶ق)، منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعة)، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.
۱۴. بستانی، افرام، (۱۳۷۵ش)، فرهنگ ابجدی، تهران: انتشارات اسلامی.
۱۵. جوادی آملی، عبد الله، (۱۳۹۱ش)، تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء.
۱۶. حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی، ترجمه احمد آرام، (۱۳۸۰ش)، الحیاء، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. حمیری، عبد الله، (۱۴۱۳ق)، قرب الإسناد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۸. دهخدا، علی اکبر، (بی تا)، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. دیلمی، حسن، (۱۴۰۸ق)، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق - بیروت، دارالعلم، الدار الشامیه.
۲۱. طبرسی، علی، (۱۳۸۵ق)، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: المكتبة الحیدریة.
۲۲. طوسی، محمد، (۱۴۱۴ق)، الأمالی، قم: دار الثقافة.
۲۳. عباشی، محمد، (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمیة.
۲۴. غزالی، محمد بن محمد، (بی تا)، احیاء علوم الدین، بیروت: دارالندوة الجدیدة.
۲۵. فتال نیشابوری، محمد، (۱۳۷۵ش)، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم: انتشارات رضی.
۲۶. قطب راوندی، مترجم غلام حسن محرمی، (۱۳۷۸ش)، جلوه های اعجاز معصومین علیهم السلام، قم: جامعه مدرسین،
۲۷. کلینی، محمد، (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم: دار الحدیث.
۲۸. لیثی واسطی، علی، (۱۳۷۶ش)، قم: عیون الحکم و المواعظ، دار الحدیث.
۲۹. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۰. مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۳۱. -----، (۱۴۱۳ق)، الأمالی، قم: کنگره شیخ مفید.
۳۲. نراقی، محمد مهدی، (۱۳۸۷م/ ۱۹۶۷ق)، جامع السعادات، نجف، چاپ محمد کلانتر.
۳۳. نراقی، ملا احمد، (۱۳۷۷)، معراج السعادة، قم، مؤسسه دار هجرت.
۳۴. ورام بن ابی فراس، مسعود، (۱۴۱۰)، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام، قم: مکتبه فقیه.

Islamic lifestyle in family economics based on the words and manners of Imam Sajjad

Abstract

Lifestyle means human behaviors influenced by the culture of each country And includes all aspects of human life, including cultural, political, economic, social and so on. There is no doubt that in order to achieve the desired economy in the family, it is necessary to reconsider the family lifestyle in the economic dimension, and change and reform it towards the religious culture and Islamic lifestyle. The verses of the Qur'an, and the words and manners of the Infallibles, best show us the quality of this important matter. Imam Zayn al-Abidin, in the light of the prayers of Sahifa Sajjadiyya and his words, as well as with his practical life, has provided guidelines for living in accordance with Islamic culture. In this study, the economic harms of the current life of the family that need to be reviewed and changed in the context of Islamic culture have been expressed Injuries such as consumerism, mismanagement of consumption, extravagance, luxury, greed, avarice and stinginess; and in contrast to Islamic lifestyle strategies in achieving the desired economy Such as invitation to production, prudent consumption management, moderation and sufficiency, simple bio, Lack of expectation for the wealth of others, contentment, generosity and charity have been examined based on the teachings of Imam Zin al-Abedin.

Keywords: Islamic lifestyle, economic, family, Imam Sajjad, Sahifa Sajjadih